

## آموزش مجازی و چالش‌های آن در دوران کرونا از منظر بانوان هیأت علمی دانشگاه

### مازندران: یک مطالعه پدیدارشناسانه

میمنت عابدینی بلترک<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه چالش‌های آموزش مجازی در دوران کرونا از منظر تجربه زیسته بانوان هیأت علمی دانشگاه مازندران بوده است. طرح پژوهش حاضر کیفی و روش مورد استفاده پدیدارشناسی بود. جامعه آماری شامل بانوان هیأت علمی دانشگاه مازندران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ که روی هم ۷۱ عضو بود. داده‌های کیفی با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته از ۲۰ نفر جمع‌آوری و اعتبار و روایی پژوهش بر اساس اعتبار، انتقال پذیری، قابلیت اطمینان و قابلیت تأیید بررسی و تأیید گردید. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، تحلیل مضمون (فراگیر، سازمان‌دهنده و فراگیر) بود. نتایج نشان داد بانوان با چالش‌های مختلفی در آموزش مجازی مواجه شدند که در قالب ۱ مضمون فراگیر، ۳ مضمون سازمان‌دهنده و ۹ مضمون پایه دسته‌بندی شدند. تغییر در سبک تدریس، زیر ساخت‌ها و امکانات و عدم همکاری دانشجویان از مضامین سازمان‌دهنده بدست آمده می‌باشد. هر مضمون سازمان‌دهنده نیز از چند مضمون پایه تشکیل می‌شود که شامل تغییر در سبک آموزش و تدریس و زمان بر بودن؛ چالش‌های زیرساخت‌های دانشگاه، امکانات استاد، امکانات دانشجو و زیرساخت‌های بنیادی؛ جدی نگرفتن آموزش‌های مجازی، بی توجهی به کلاس درس و انتظارات نامعقول دانشجویان از جمله مضامین پایه بوده که مشارکت کنندگان به عنوان چالش آموزش‌های مجازی در دوران کرونا بدان اشاره نمودند. در نهایت، آموزش مجازی و کلاس الکترونیکی که تا حال در دانشگاه‌های ایران مورد توجه قرار نگرفته بود، با ورود این ویروس مرکز توجه قرار گرفت که به دلیل همین مسأله با چالش‌های بسیاری مواجه شد. شناسایی چالش‌ها، اولین گام جهت برطرف نمودن آن می‌باشد تا سازمان‌های وابسته به آن در این راستا گام بردارند.

**کلیدواژه‌ها:** کرونا، تجربه زیسته، بانوان، هیأت علمی

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، بابلسر، ایران.  
abedini.gilan@gmail.com

## مقدمه

با شیوع بیماری ویروسی کرونا در سطح اپیدمی و آنگاه پاندمی، جهان از جمله ایران در برابر آن غافلگیر شد. این بحران بزرگ قرن هر لحظه و هر روز صدمه‌ای بر پیکر اجتماع و نهادهای آن و انسانها وارد می‌کرد و می‌کند و هنوز هم مشخص نیست آخر داستان چه خواهد بود؟ عرصه‌های تو در توی سلامت تن و روان، سلامت اجتماعی، حیات ذهنی و فرهنگی، ساختار سیاسی و مناسبات اقتصادی روزبه روز خود را آشکارتر می‌سازد و هنوز وجوه و ابعاد ناشناخته‌ای از آن هست و بیش از همه بر عهده‌ی محققان در حوزه‌ی آموزش عالی است که پاسخگو باشند (فراستخواه، ۱۳۹۹). مطابق آمارهای یونسکو که در پنجم آوریل ۲۰۲۰ ارائه شده است، نظام آموزشی بیش از ۱۸۸ کشور جهان گرفتار شیوع ویروس کرونا و ناگزیر از تعطیلی مؤسسات آموزشی در سطوح ابتدایی، متوسطه و عالی شده‌اند (یونسکو، ۲۰۲۰: ۱۲).

در سطح آموزش عالی، تغییراتی در ابعاد مختلف ایجاد شد به عنوان نمونه؛ کمبود شدید منابع مالی، رکود فعالیت‌های بین‌المللی و پژوهشی، قوت گرفتن آموزش‌های الکترونیکی، تعطیلی و رکود کامل در تحرک بین‌المللی دانشجویان. از طرفی کمبود منابع، دانشگاه‌ها را به روز می‌کند. به صورت طبیعی آنها به سوی افزایش بهره‌وری و استفاده‌ی درست از منابع روی خواهند آورد و سیاست‌های مالی انقباضی را در پیش گرفتند (ذاکر صالحی، ۱۳۹۹: ۸۳). مهمترین تغییر ایجاد شده، تغییر در نحوه و سبک آموزش بود. سبک سنتی و قدیمی که به صورت حضوری و ارتباط چهره به چهره بود، جایی در این دوران نداشت و هم اکنون نیز ندارد. در این ایام، کلاس‌های آموزشی به صورت آنلاین و مجازی برگزار شد و هم‌اکنون نیز به همان صورت برگزار می‌شود. سیستم آموزش مجازی، یک سیستم اطلاعات بر پایه‌ی وب گسترده جهانی است که امکان آموزش یادگیرنده به گونه‌ای منعطف را فراهم می‌سازد (عبداله و وارد، ۲۰۱۶؛ دقان و آخویونلو، ۲۰۱۶؛ حسن‌زاده<sup>۶</sup>، کنانی<sup>۷</sup> و الهی<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲) که به واسطه‌ی افزایش بکارگیری اینترنت، باعث تغییرات اساسی در آموزش عالی شده است. بنابر اعتقاد کاظم‌پور و غفاری (۱۳۹۰: ۱۳) آموزش مجازی یک روش آموزشی است که برای آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده این فرصت را فراهم می‌کند که در عین حال که از نظر زمان و مکان از

1. Unesco
2. Abdullah
3. Ward
4. Dağhan
5. Akkoyunlu
6. Hassanzadeh
7. Kanaani
8. Elahi

هم دور هستند، فاصله‌ی آموزشی موجود را با وسایل مناسب تکنولوژیک پر کنند. لازم به ذکر است که این امر را می‌توان از ویژگی‌ها و مزایای آموزش مجازی برشمرد. در واقع تعریفی که در درون خود، مزیت را در بر می‌گیرد. مزیتی که در کنار مزیت در این دوران، به چالش نیز تبدیل شده است. چرا که نبود زیرساخت‌های تکنولوژیکی و عدم ارتباط چهره به چهره در کلاس درس، کیفیت آموزش را تحت شجاع قرار داده است.

از ویژگی‌های آموزش‌های مجازی این است که بیش از آنکه استاد وظیفه‌ی ارائه اطلاعات به فراگیران را داشته باشد، خود فراگیران هستند که جهت دستیابی به اطلاعات به کاوش می‌پردازند. از دیگر ویژگی‌های آن دسترسی آسان به اطلاعات، ویژگی‌های ارتباطی و تعاملی آن می‌باشد (عباسی پارسا، ۱۳۹۱). این ویژگی مثبت در برخی موارد می‌تواند به چالش تبدیل شود به عنوان نمونه پرسش و پاسخ حول مفاهیم مختلف در کلاس درس، با تفکر و تأمل کمتری همراه می‌شود چون بسیاری از دانشجویان در همان لحظه با جستجو در اینترنت، به دنبال حل مسأله هستند تا تأمل و تفکر. اما از سوی دیگر برای استادانی که بخواهند از این شرایط به نحو احسن استفاده کنند، بسیار مفید خواهد بود چون این امکان فراهم است که در همان لحظه با جستجو در اینترنت و اشتراک گذاری صفحه کلاس، آخرین اطلاعات را در اختیار دانشجویان قرار دهند.

نکته‌ی قابل توجه آن است که برای یادگیری الکترونیکی؛ مدرس، یادگیرنده و محیط یادگیری باید از آمادگی لازم برخوردار باشند تا نتیجه‌ی مورد انتظار به دست آید (بازرگان و بازرگان، ۱۳۹۹: ۲۹۵). آموزش مجازی برای یادگیرندگان مزایای بسیاری را به دنبال دارد؛ از آن جمله می‌توان به تعیین سرعت پیشرفت به خواست یادگیرنده، قابلیت تعاملی بودن، افزایش اعتماد به نفس اشاره نمود (احمدی، ۱۳۹۷: ۲۱). همچنین سرعت در تعامل بین استاد و دانشجو (بورا<sup>۱</sup> و احمدی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳)، پیگیری اتوماتیک عملکرد یادگیرنده (المهوتی<sup>۳</sup>، ارادی<sup>۴</sup> و ناصح<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸؛ کرانس<sup>۶</sup>، ۲۰۱۶)، کاهش زمان و هزینه سفر به محل تحصیل (رضایی، ۱۳۹۹) از مزایای دیگر آموزش‌های مجازی است. اما معایبی نیز دارد. نگرانی عمده‌ی استفاده از آموزش مجازی، دور شدن از روابط انسانی و حرکت به سوی دنیای مجازی است. کاهش ارتباط رو در رو با استاد باعث اضطراب در بعضی فراگیران می‌شود. برنامه‌های آموزش مجازی ممکن است از کیفیت لازم برخوردار نباشد. عدم وجود زیر ساخت‌های لازم برای آموزش مجازی از قبیل محدودیت

1. Bora
2. Ahmed
3. El Mhouti
4. Erradi
5. Nasseh
6. Kearns

در پهنای باند که باعث کارایی کمتر در صدا، ویدئو و تصاویر متحرک می‌باشد و مشکلاتی از این قبیل که خود، باعث اتلاف وقت زیادی می‌شود (ولی تبار کراتی، ۱۳۹۵). علی‌رغم مزیت‌های ذکر شده، وجود چنین معایبی فلسفه‌ی آموزش را زیرسؤال می‌برد چرا که دانشجویان این آموزش را جدی نمی‌گیرند و به صرف آنلاین بودن در کلاس درس اکتفا می‌کنند (به‌طور میانگین). از سوی دیگر بسیاری از معلمان و استادان نیز در انجام وظیفه‌ی خود کاهلی کرده و آموزش و تدریس خود را به‌صورت آفلاین در سامانه‌های آموزشی قرار می‌دهند که هیچگونه تعامل و بحث و گفت‌وگویی در آن وجود ندارد.

روی هم رفته؛ کرونا باعث شده، وزارت عتف و آموزش عالی دچار تغییرات بسیاری شود (خلیلی، ۱۳۹۹: ۹۶). یکی از مهم‌ترین این تغییرات در بخش نحوه‌ی آموزش بوده که با خود مزایا و معایبی را به همراه داشته است. در این بین، فشار بسیاری بر استادان دانشگاه به واسطه نبود زیرساخت‌ها و همراهی با دانشجو، تهیه محتوای درسی و از این دست موارد وارد شده است که در ایام کرونا و قرنطینه بانوان هیأت علمی به واسطه حضور در منزل و نبود مرزی بین محیط کار و خانواده، بیش از پیش تحت فشار قرار گرفتند و مسأله‌ی مصالحه بین کار حرفه‌ای و زندگی خصوصی، زندگی حرفه‌ای آنها را به شدت متأثر ساخت. ایجاد چنین مصالحه به‌ویژه برای بانوان دارای کودکان نیازمند مراقبت، پیچیده‌تر نیز بوده است. با تکیه بر نتایج برخی پژوهش‌ها به‌نظر می‌رسد که تقسیم کار سخت گیرانه‌ای وجود دارد که همه‌ی مسئولیت‌های خانوادگی و نگهداری از کودکان را بر عهده زنان می‌گذارد (کشاورز، ۱۳۹۹: ۱۹۲).

پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با آموزش مجازی و چالش‌های آن پیش از دوران کرونا انجام شده است [تاری، شمس و رضایی زاده (۱۳۹۶)، قربانخانی و صالحی (۱۳۹۵)، کیان (۱۳۹۳)، باقری مجد، شاهی و مهر علیزاده (۱۳۹۲)، جهانپان و اعتبار (۱۳۹۱)، الغمدی<sup>۱</sup> و سامرجی<sup>۲</sup> (۲۰۱۶)، کیسانگا<sup>۳</sup> و آیرسون<sup>۴</sup> (۲۰۱۵)، تاروس<sup>۵</sup>، گیچویا<sup>۶</sup> و مامبو<sup>۷</sup> (۲۰۱۵)]. از این دست پژوهش‌ها در حال حاضر با محوریت در دوران کرونا اندک می‌باشد (محمدی و

1. Al-Gamdi
2. Samarji
3. Kisanga
4. Ireson
5. Tarus
6. Gichoya
7. Muumbo

همکاران (۱۳۹۹)؛ آددوین<sup>۱</sup> و سویکان<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)؛ دوان<sup>۳</sup> (۲۰۲۰)؛ امیر<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۰)؛ آرمستراگ منساه<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۰). به‌طور کلی؛ بررسی پژوهش‌های پیشین نشان داد که از چند سال گذشته، آموزش مجازی و چالش‌های آن از مسائل قابل تأمل در جامعه آکادمیک بوده است که هر یک از جنبه‌ای خاص به این نوع آموزش نگاه کرده‌اند. روی هم رفته چالش‌های مختلفی را می‌توان برای آموزش‌های مجازی متصور شد، مانند نبود دستورالعمل و ضعف در تهیه قوانین و مقررات، محتوای ناکافی، چالش‌های مربوط به دانشگاه، مربوط به استاد، مربوط به دانشجو، مربوط به سامانه و مربوط به کلاس (زیرساخت ضعیف). علاوه بر آن در آموزش‌های مجازی در محیط مجازی، به دلیل عدم ارتباط رو در رو و الگوگیری دانشجو از استاد و سایرین، زمینه تربیت چندان فراهم نیست و این خود، مسأله‌ی مهمی است که خود را در آموزش پس از کرونا نشان می‌دهد.

با توجه به مطالب عنوان شده و نبود یا اندک بودن پژوهشی در این راستا در ایران که تمرکز خود را بر آموزش مجازی در آموزش عالی و مسائل مربوط به آن نهاده باشد؛ به همین دلیل، پژوهش حاضر هدف خود را بر آموزش‌های مجازی و چالش‌های تجربه شده از دیدگاه بانوان هیأت علمی نهاده است تا از این طریق چالش‌های حداقلی، شناسایی و جهت بهبود و اصلاح آن گام برداشته شود.

#### هدف پژوهش

مطالعه‌ی تجربه زیسته بانوان هیأت علمی دانشگاه مازندران از آموزش مجازی و چالش‌های آن در دوران کرونا

#### سؤال پژوهش

تجربه‌ی زیسته بانوان به عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه، از آموزش مجازی و چالش‌های آن در دوران کرونا چگونه است؟

1. Adedoyin
2. Soykan
3. Dhawan
4. Amir
5. Armstrong-Mensah

## روش

طرح پژوهش حاضر کیفی و روش مورد استفاده پدیدار شناسی می‌باشد. پدیدارشناسی اساساً مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است. به طور کلی دو رویکرد در پدیدارشناسی حاکم است که در پژوهش حاضر با توجه به اینکه هدف پژوهش، تجربه زیسته بانوان هیأت علمی دانشگاه مازندران از چالش‌های آموزش مجازی در دوران کرونا است، از رویکرد توصیفی (پدیدارشناسی هوسرل<sup>۱</sup>) استفاده شد.

جامعه آماری شامل بانوان هیأت علمی دانشگاه مازندران بدون در نظر گرفتن مرتبه، پایه و وضعیت تأهل بوده که روی هم ۷۱ عضو هیأت علمی بانو در دانشگاه مازندران مشغول به خدمت هستند. در بخش کیفی و با استفاده از ابزار مصاحبه، نمونه با ۲۰ نفر به اشباع رسید. روش نمونه‌گیری نیز به صورت هدفمند از نوع موارد عادی<sup>۲</sup> بوده و مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش حاضر در جدول شماره (۱) آورده شده است. برای جمع آوری اطلاعات مربوط به تجربه زیسته بانوان هیأت علمی از دوران کرونا، از مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته<sup>۳</sup> استفاده شد. نحوه جمع آوری نیز بدین صورت بوده که پژوهشگر با تعداد معدودی از مشارکت کنندگان در دفتر کار و به صورت رو در رو مصاحبه نمود، اما به دلیل شرایط مربوط به کرونا، اکثر مصاحبه‌ها بصورت مجازی و تماس تلفنی صورت پذیرفت. لازم به ذکر است که از مشارکت کنندگانی که علاقه‌مند به مصاحبه بوده و زمان کافی برای شرکت در این پژوهش داشتند، مصاحبه گردید، بنابراین رضایت کامل از انجام این مصاحبه داشتند. مصاحبه‌های انجام شده بین ۲۰ تا ۲۵ دقیقه بوده است. پس از جمع‌آوری داده‌های حاصل از مصاحبه، متن گفتگوهای ضبط شده پس از چندین بار گوش دادن، به صورت دقیق پیاده و به صورت مکتوب در آمد. سپس دیدگاه‌های مصاحبه شوندگان در مورد سؤال‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفت و مضامین استخراج گردید.

روایی پژوهش حاضر نیز به دلیل کیفی بودن، به جای روایی و پایایی، از واژه‌های دقت<sup>۴</sup> و صحت<sup>۵</sup> داده‌ها استفاده شد. شد. گوباء<sup>۶</sup> و لینکن<sup>۷</sup> (۱۹۸۳) چهار روش را برای تأیید صحت و درستی داده‌ها؛ پیشنهاد نموده‌اند که از سوی بسیاری

1. Husserl

۲. منظور از نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد عادی، این است که جامعه‌ی مورد مطالعه، همگی پدیده مورد نظر (کرونا) را تجربه کرده باشند.

3. Interview guide approach

4. Rigor

5. Trust

6. Guba

7. Lincoln

از پژوهشگران کیفی مورد استفاده قرار گرفته است. این چهار روش عبارت است از؛ اعتبار<sup>۱</sup>، انتقال پذیری<sup>۲</sup>، قابلیت اطمینان<sup>۳</sup> و قابلیت تأیید<sup>۴</sup> که در این مطالعه به شرح زیر رعایت گردیده است. برای اعتبار مطالعه، از راه‌های گوناگون مانند درگیری طولانی مدت، مشاهده، سه سوسازی استفاده شده است. به این ترتیب که عناصر به تأیید متخصصان رسید. جهت انتقال پذیری، در این مطالعه سعی شد که تمام جزئیات پژوهش از نمونه‌گیری تا فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌طور کامل شرح داده شود تا در مورد انتقال پذیری نقطه‌ی مبهمی باقی نماند.

قابلیت اطمینان در مطالعه کیفی به اعتبار پژوهش وابسته است که یکی از راه‌ها، استفاده از مسیر ممیزی<sup>۵</sup> می‌باشد. در مطالعه‌ی حاضر، از یک ناظر خارجی با تجربه در پژوهش کیفی استفاده شد که زیربنای تئوریک فرایند جمع‌آوری داده‌ها و فرایند تحلیل را بررسی و تأیید نمود و در نتیجه قابلیت اطمینان مطالعه حاصل گردید. آخرین مورد؛ مربوط به قابلیت تأیید مطالعه است که از یک ناظر خارجی مسلط به پژوهش کیفی استفاده شد که مواردی از قبیل نوارهای مصاحبه، متون پیاده شده، یادداشت‌ها، داده‌های تحلیل شده، یافته‌های مطالعه، جزئیات فرایند مطالعه، سؤال‌های مصاحبه و در واقع به تمامی جزئیات مطالعه دسترسی داشت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز در پژوهش حاضر، تحلیل مضمون<sup>۶</sup> بود. تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده، با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفت. بر این اساس ابتدا، متن جلسات مصاحبه به صورت مکتوب پیاده سازی شد و با استفاده از یادداشت‌های برداشته شده در طی جلسات مصاحبه تکمیل گردید. سپس با مطالعه دقیق متون، در ابتدا برای هریک از مصاحبه‌های تهیه شده، تمامی ایده‌های مستقل در قالب مضامین پایه مانند؛ تغییر در سبک آموزش و تدریس، زیرساخت‌های دانشگاه و... شناسایی شد. سپس به هر کدام، یک مضمون اختصاص داده شد. این کار برای هر کدام از مصاحبه‌ها، انجام شد. پس از آن، بر اساس تمام مضامین پایه شناسایی شده، دسته‌بندی کلی‌تری انجام که منجر به شناسایی مضامین سازمان‌دهنده در قالب مضامینی مانند تغییر در سبک آموزش و تدریس، زمان‌بر بودن، زیرساخت‌ها و امکانات دانشگاه، استاد و دانشجو و زیرساخت‌های بنیادی، جدی نگرفتن آموزش‌های مجازی، بی توجهی به کلاس و درس و انتظارات نامعقول دانشجویان شد و در نهایت مضامین فراگیر که آموزش مجازی و چالش‌های آن می‌باشد.

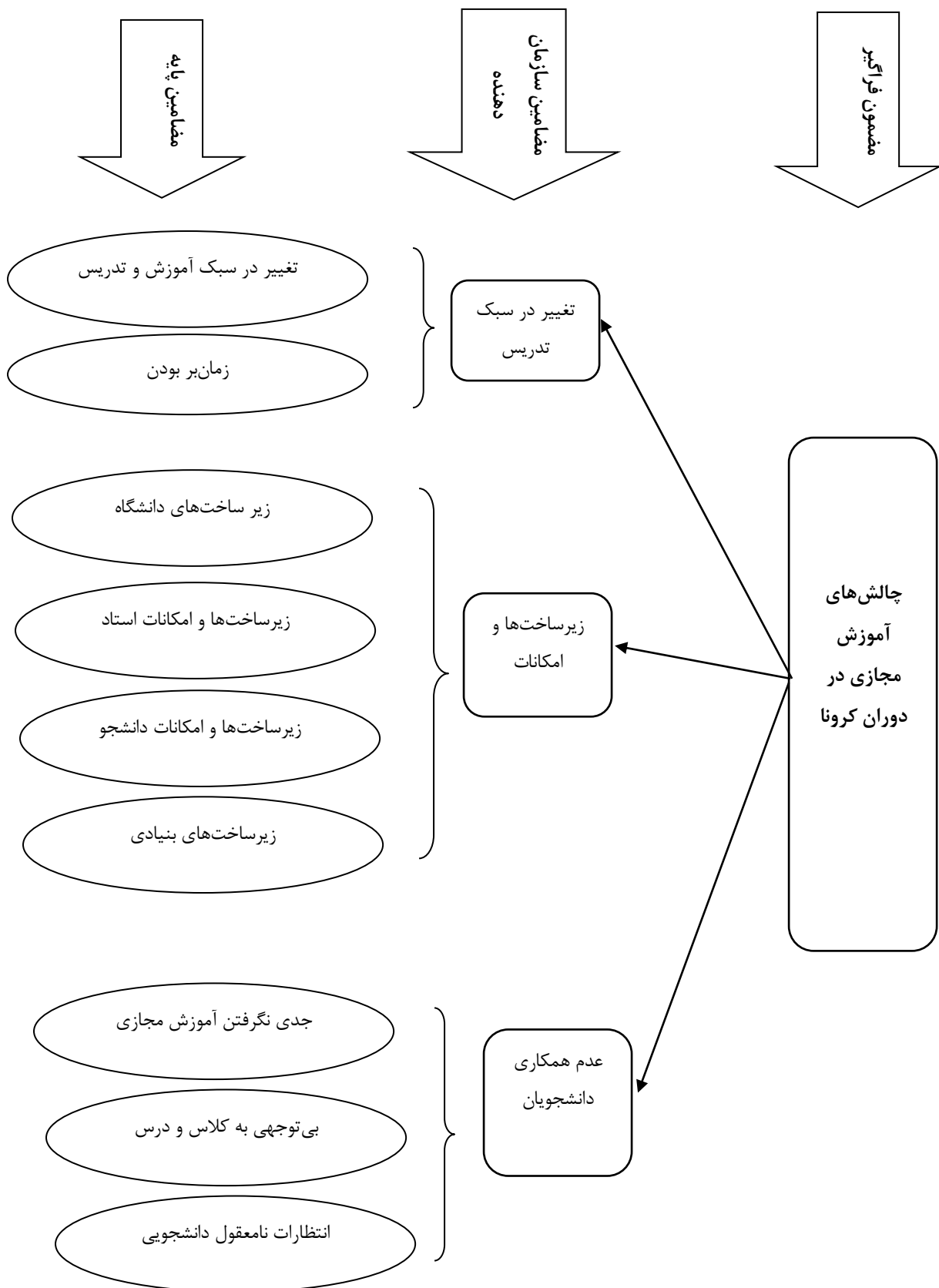
1. Credibility
2. Transferebility
3. Dependability
4. Conformability
5. Audit trail
6. Thematic analysis

جدول ۱. مشخصات بانوان هیأت علمی مشارکت کننده در پژوهش

| دانشکده                 | مرتبه    | وضعیت تأهل | دانشکده                  | مرتبه    | وضعیت تأهل |
|-------------------------|----------|------------|--------------------------|----------|------------|
| ۱ علوم اقتصادی و اداری  | دانشیار  | متاهل      | ۱۱ علوم دریایی           | استادیار | متاهل      |
| ۲ علوم اقتصادی و اداری  | استادیار | متاهل      | ۱۲ ریاضی                 | استادیار | متاهل      |
| ۳ علوم انسانی و اجتماعی | استادیار | متاهل      | ۱۳ علوم انسانی و اجتماعی | استادیار | متاهل      |
| ۴ علوم انسانی و اجتماعی | دانشیار  | مجرد       | ۱۴ علوم انسانی و اجتماعی | استادیار | متاهل      |
| ۵ علوم انسانی و اجتماعی | دانشیار  | متاهل      | ۱۵ تربیت بدنی            | استادیار | متاهل      |
| ۶ تربیت بدنی            | استادیار | متاهل      | ۱۶ علوم پایه             | استادیار | متاهل      |
| ۷ علوم انسانی و اجتماعی | دانشیار  | متاهل      | ۱۷ فنی و مهندسی          | استادیار | متاهل      |
| ۸ تربیت بدنی            | استادیار | متاهل      | ۱۸ علوم انسانی و اجتماعی | استادیار | مجرد       |
| ۹ شیمی                  | استادیار | متاهل      | ۱۹ ریاضی                 | دانشیار  | متاهل      |
| ۱۰ علوم پایه            | استادیار | متاهل      | ۲۰ علوم انسانی و اجتماعی | استاد    | متاهل      |

## یافته‌ها

بر اساس تحلیل داده‌های کیفی؛ ۹ مضمون پایه، ۳ مضمون سازمان دهنده و ۱ مضمون فراگیر شناسایی شد که در اینجا بدان‌ها پرداخته می‌شود.



شکل ۱. مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه استخراج شده از مصاحبه

جهت استخراج داده‌های حاصل از مصاحبه، تمامی ایده‌های مستقل در قالب مضامین پایه استخراج گردید. سپس بر اساس تمام مضامین پایه شناسایی شده، دسته‌بندی کلی‌تری انجام که منجر به شناسایی مضامین سازمان‌دهنده شد. مضمون فراگیر که همان چالش‌های آموزش مجازی می‌باشد، شامل سه مضمون سازمان‌دهنده "تغییر در سبک آموزش و تدریس، زیرساخت‌ها و عدم همکاری و همراهی دانشجویان" می‌باشد. مضامین پایه "تغییر در سبک آموزش و تدریس"، شامل؛ تغییر در نحوه تدریس و زمان‌بر بودن؛ مضامین پایه "زیرساخت‌ها و امکانات" شامل؛ زیرساخت‌های دانشگاه، زیرساخت‌ها و امکانات استاد، زیرساخت‌ها و امکانات دانشجو و زیرساخت‌های بنیادی اینترنت است. در نهایت مضامین پایه "عدم همکاری و همراهی دانشجویان" شامل؛ جدی نگرفتن آموزش‌های مجازی، بی توجهی به کلاس و درس، انتظارات نامعقول از سوی دانشجویان می‌باشد که در اینجا به این مضامین و نقل‌قول‌هایی اشاره می‌شود؛ یکی از تجربیات مشترک بین بانوان هیأت علمی، تغییر در نحوه تدریس آنها بود. از نظر استادیار دانشکده تربیت بدنی "اوایل به خاطر تغییر در نحوه تدریس نگران بودم، که آن هم به دلایل مختلفی بود. نحوه تدریس به دلیل مجازی شدن بسیار متفاوت از کلاس‌های حضوری بود. در تأیید این گفته استاد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی اذعان داشت: "تدریس نوع متفاوتی به خود گرفت و باعث شد در نحوه تولید محتوا و ارائه‌ی آن به صورت متفاوتی عمل کنیم که در نهایت همین باعث آپدیت شدن محتوا شد، اگرچه جنبه مثبتی با خود به همراه دارد اما اوایل به عنوان یک چالش اساسی در نظر گرفته میشد".

در ارتباط با زمان‌بر بودن، از دیگر مضمون‌های پایه بدست آمده استادیار دانشکده تربیت بدنی می‌گوید "در ابتدا وقتی سامانه کارکرد خوبی نداشت، مجبور شدم کلاس‌ها را در واتس‌آپ تشکیل بدم. حجم زیاد پیام‌هایی که از سمت دانشجویان می‌آمد، تقریباً زندگی خصوصی را مختل کرده بود. تکالیف که به پی وی ارسال می‌کردن، گاهی لا به لای پیام‌ها گم میشد، تا ۳ صبح تکالیف را دانه دانه می‌خواندم و جواب می‌دادم و تمام تعطیلات عید را به گذراندن کلاس‌های جبرانی مشغول بودم. حجم زیاد کلاس‌ها، تهیه محتوا برای کلاس‌ها، پاسخگویی به دانشجویان و همکاران، بازخورد تکالیف دانشجو...طوری شده بود که گاهی نهار یا شام هم نداشتیم که بخوریم". در تأیید گفته فوق استادیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری اشاره نمودند که "در کنار کارهای خانه که هرچه را که باید می‌خریدیم، شسته میشد مجبور بودم تا صبح برای تهیه محتوای کلاس‌ها بیدار بمونم تا بتوانم امورات کاری را بگذرانم" عضو دیگری از دانشکده علوم دریایی اذعان داشتند که "اوایل چون سامانه جوابگو نبود مجبور بودم صدا یا

فیلم ضبط کنم و در اختیار دانشجویان قرار بدم که بصورت آفلاین در اختیارشون قرار بگیره و این زمان زیادی را برای تهیه محتوا می‌طلبید". از نظر عضو دانشکده علوم ریاضی نیز "آموزش آنلاین بسیار بسیار وقت گیر بود".

یکی دیگر از مضامین سازمان‌دهنده در ارتباط با مضمون آموزشی، زیرساخت‌ها و امکانات هست. در راستای زیرساخت‌های دانشگاه، اکثر مشارکت کنندگان در پژوهش بر این نکته اذعان داشتند. از نظر استادیار دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، "زیرساخت دانشگاه در ابتدا ضعیف بود و البته طبیعی هم بود. ابتدا قرار شد از یک سامانه استفاده کنیم، همان روز اول از دسترس خارج شد. ما هم مجبور شدیم آموزش‌ها را از طریق شبکه‌های مجازی مثل تلگرام یا واتس‌آپ پیش ببریم. چند جلسه اینگونه گذشت تا طریق حراست نامه دادستان کشوری برامون ارسال شد که هر استادی اگر از شبکه‌های مجازی خارجی برای آموزش استفاده کنه، مجرم حساب میشه". استادیار دانشکده تربیت بدنی نیز معتقدند که "نبود زیرساخت‌های دانشگاه و تأخیر در تدابیر لازم در این رابطه، فشار زیادی به استادان وارد کرد". دانشیار دیگری از این دانشکده افزودند "سامانه در اوایل کار، کارکرد خوبی نداشت و موجب عصبی شدن ما و دانشجویان میشد، بخاطر اینکه به کرات دانشجو از سیستم به بیرون پرت میشد و نمی‌توانستیم کلاس تشکیل بدیم". در ادامه این بحث، دانشیار دانشکده علوم انسانی افزودند "بعد از نامه دادستانی، از دانشجویان خواستیم تا شبکه‌های داخلی روی گوشیشون نصب کنن اما بسیاری از آنها گوشی‌هایی داشتند که این برنامه‌ها قابلیت باز شدن بر روی گوشی‌شان را نداشت، به همین دلیل تا مدتی عملاً آموزشی داده نشد"

زیرساخت‌ها و امکانات استاد از دیگر مضامین پایه مربوط به مضمون سازمان‌دهنده زیرساخت‌ها و امکانات می‌باشد. در این رابطه استادیار دانشکده علوم انسانی می‌گوید "متأسفانه موبایلم قدیمی هست و ظرفیتش هم محدود، چون همه‌ی دانشجویان نمی‌تونستن وارد سامانه بشن، مجبور بودم هم در سامانه، فایل بذارم و هم از طریق واتس‌آپ درس را پیش ببرم و چون کارهای کلاسی و تکلیف زیاد مطرح می‌کردم، گوشی‌ام هنگ می‌کرد و مدام، فایل‌ها و تصاویر ارسالی دانشجویان را پاک می‌کردم تا برای هفته بعد گنجایش داشته باشه" استادیار دیگری از همین دانشکده افزودند "برای آماده کردن فایل‌ها باید ویدئو تهیه و صدا گذاری می‌کردم، سیستم به خوبی صدا ضبط نمی‌کرد و خیلی ضعیف بود". از دیگر مضمون‌های استخراج شده زیر ساخت‌ها و امکانات دانشجویان بوده است. در این راستا عضو هیأت علمی دانشکده فنی و مهندسی و علوم دریایی می‌گوید "مشکلات بسیاری در زمینه آموزش مجازی وجود داشت، که به مرور برخی شناسایی و مشکل‌گشایی شد اما متأسفانه هنوز برخی از دانشجویان به دلیل

موقعیت جغرافیایی و محل سکونت‌شان قادر به استفاده مناسب از آموزش مجازی نیستند که خود همین امر می‌تواند یک معضل مهم در پیشبرد صحیح و عادلانه آموزش باشد". از دیگر مضمون‌های مد نظر مشارکت کنندگان، زیرساخت‌های بنیادی مربوط به پهنای اینترنت بود. یکی از اعضای دانشکده علوم پایه می‌گوید "متأسفانه وقتی که آموزش‌ها مجازی شد، سرعت اینترنت‌ها هم پایین اومد و هیچ یک از امور مشترکین در این رابطه پاسخگو نبودن در تأیید این گفته استادیار دانشکده علوم انسانی و اجتماعی افزودند "قبلاً با استفاده از مودم فعالیت‌ها رو پیش می‌بردیم اما بعد به حدی کند شد که سامانه را بالا نمی‌آورد چندین بار هم تماس گرفتیم اما کاری انجام ندادن، منم مجبور شدم رفتم سیم کارت ایرانسل و همراه اول خریدم و از طریق خرید بسته، تونستم آموزش‌ها را پیش ببرم"

عدم همکاری و همراهی دانشجویان، مضمون دیگری است که از مصاحبه‌ها بدست آمد. جدی نگرفتن آموزش مجازی یکی از مضمون‌های پایه است. بر مبنای نظر استادیار دانشکده علوم انسانی و اجتماعی "دانشجو‌ها کلاس‌ها را آنطور که باید جدی نمی‌گرفتند. دانشجو پیام داده، می‌گه تکلیف انجام دادم اما ساعت کلاس، چون توی تاکسی بودم آنتن ضعیف بود و نتونستم، ارسال کنم" استاد دیگری از همین دانشکده نیز اذعان داشتند "دانشجویانی هم بودن که اصلاً در کلاس‌های مجازی شرکت نکردند چون در ترم گذشته، دانشگاه اجباری برای شرکت در کلاس‌ها در نظر نگرفته بود و اون‌ها از این شرایط سوء استفاده می‌کردن". بی توجهی به کلاس و درس از مضمون‌های دیگر پژوهش است در این رابطه استادیار دانشکده علوم پایه اشاره داشتند که "متأسفانه بسیاری از دانشجویان از این شرایط سوء استفاده می‌کردن و توجهی به درس نداشتن، حتی گاهی به خودشون زحمت نمیدادن که آنلاین حضور داشته باشن و میگفتن که شما آفلاین، فایل بذارین ما بعداً دریافت و گوش میدیم" در تأیید این گفته استادیار دانشکده علوم انسانی و اجتماعی گفتند "کرونا و شرایط آموزش مجازی برای این بود که در منزل بشین و درس‌هاشون را پیش ببرن. دانشجو پیام داده که بیرون اومدم خرید، نمی‌رسم به کلاس. متأسفانه طوری شده که دانشجو برای شرکت در کلاس، منت میذاره یک بخش بخاطر عدم اجبار در کلاس‌ها از سوی دانشگاه است".

از دیگر مضمون‌های پایه، انتظارات نامعقول دانشجویی بود. استادیار دانشکده علوم انسانی و اجتماعی می‌گوید، "بخاطر پیام دانشگاه مبنی بر اجباری نبودن شرکت در کلاس‌ها در ترم گذشته، دانشجو پیام تهدید آمیز فرستاده که شما بر خلاف آیین نامه عمل می‌کنید و ما دوست نداریم در کلاس شرکت کنیم. در کلاس‌های حضوری هم هیچگاه دانشجو را مجبور نکردم در کلاس شرکت کنه، چون مشارکت و کارهای کلاسی زیاد هست کسی که شرکت نکنه

عملاً نمیتونه در پایان ترم موفق بشه" عضو دیگری از این دانشکده افزودند" دانشجو در کلاس شرکت نمیکنه، فعالیت نداره، کارها را به موقع تحویل نمیده، در میان ترم‌ها شرکت نمیکنه بعد انتظار داره که پایان ترم هم نمره خوبی بگیره". استادیار انشکده علوم انسانی و اجتماعی افزود" دانشجو شب و نصف شب پیام می‌فرستاده، اگر جواب نمیدادی خیلی راحت مجدد پیام میداد که چرا وقتی پیام را خواندی، جواب نمیدی.

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از مصاحبه با بانوان در قالب مضامین سازمان دهنده تغییر در سبک تدریس، زیرساخت‌ها و امکانات و عدم همکاری دانشجویان استخراج گردید. کرونا، شیوه‌های آموزش قبلی را از بین برده و شیوه جدیدی برای آموزش را طلبید که به دلایل مختلف از جمله نبود زیرساخت، مقاومت در برابر یادگیری به سبک جدید، کمبود بودجه جهت تأمین زیر ساخت‌ها و نامشخص بودن آینده پیش رو، سیستم آموزشی اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی را با چالش‌های فراوانی رو به رو کرد. در کنار این چالش‌ها، مزایایی را هم می‌توان لحاظ نمود؛ آموزش مجازی امکان نوآوری را برای استادانی فراهم نمود که همواره به دنبال بروز خلاقیت و ابتکار در کلاس درس بودند. برای دانشجویان ساکن در شهرها و استان‌های دیگر و حتی دانشجویان شاغل(به خصوص در دوره تحصیلات تکمیلی) نیز دارای مزیت‌هایی می‌باشد. با نگاه به سطح کلان‌تر، فراهم‌سازی زیر ساخت‌های آموزش مجازی در کمترین زمان ممکن که در شرایط عادی امکان فراهم شدن آن تا سال‌های سال، دور از انتظار بود.

بر مبنای نتایج به‌دست آمده؛ یکی از تجربیات زیسته بانوان هیأت علمی در بعد آموزشی، **تغییر در سبک تدریس** بود. کرونا، مرزهای آموزش قبلی را در هم نوردید و سبک جدیدی از آموزش و تدریس را ایجاد نمود که این فضا با فضای گذشته و آموزش حضوری متفاوت بود. از این منظر همسو با پژوهش که اظهار داشت فضای دیجیتال امر تدریس و یادگیری با فضای کلاس درس حضوری کاملاً متفاوت است(بازرگان و بازرگان، ۱۳۹۹؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۹).

**زمان بر بودن**، مضمون دیگری است که بانوان بدان اشاره داشتند. به واسطه‌ی تغییر در سبک آموزش و تدریس، تهیه و تولید محتوا زمان زیادی را می‌طلبد. چرا که مناسبات قبلی در هم نوردیده شد و سبک متفاوتی را هم استاد و هم دانشجو تجربه نمودند. تهیه‌ی محتوای الکترونیکی، به روز کردن آن و بررسی تکالیف در محیط مجازی، بعد زمانی خاصی را می‌طلبد. این مسأله در ترم گذشته به واسطه‌ی مواجهه‌ی ناگهانی با این بیماری و انطباق با شرایط

پیش آمده بیش از ترم حاضر بوده است. زمان بر بودن در کنار سایر آیین نامه‌ها بیش از پیش به چالش تبدیل می‌شود چرا که برای اعلام نمرات و تصحیح برگه‌ها، بعد زمانی خاصی وجود دارد که در حال حاضر، تمام این اعمال از طریق سامانه‌های آموزشی و از طریق سیستم انجام می‌شود که به دلیل مشکلاتی که استفاده مداوم از سیستم ایجاد می‌کند، زمان بیشتری را می‌طلبد (این مسأله در امتحان‌های تشریحی و در دوره‌های تحصیلات تکمیلی حس می‌شود).

علاوه بر این **زیرساخت‌های دانشگاه** در زمینه وجود سامانه برای آموزش‌های مجازی، پهنای باند اینترنت و از این دست مسائل یکی دیگر از چالش‌های مطرح شده بود. از این منظر همسو با پژوهش‌های صدقی بوکانی، مهاجران و باقری مجد (۱۳۹۴)، قربانخانی و صالحی (۱۳۹۵) و تاروس، گیچویا و مامبو (۲۰۱۵) بود. زیرساخت‌های آموزش مجازی در بسیاری از دانشگاه‌های ایران به واسطه‌ی وجود برخی رشته‌ها تا حدی فراهم بوده است اما شمار زیادی از دانشگاه‌ها فاقد هر گونه امکانات برای برگزاری کلاس‌ها به صورت مجازی بودند. به همین دلیل فراهم ساختن حداقل امکانات و انطباق با شرایط نیاز به زمان و بودجه بوده که در ترم گذشته، شرایط دشوار اثرگذار این علت، به وضوح قابل مشاهده بود. حتی پس از گذشت یک سال و اندی از وجود این بیماری، همچنان آن‌طور که باید و شاید دانشگاه‌ها به درستی نتوانستند این زیرساخت‌ها را فراهم کنند که یکی از دلایل عمده آن، کمبود درآمد و بودجه دانشگاه‌ها جهت خرید سرورهای جدید و گسترش آن می‌باشد. این در حالی است که با گذشت زمان، در هر ترم، از ورودی‌های جدید در دانشگاه ثبت نام به عمل می‌آید اما به همان نسبت زیرساخت اینترنتی فراهم نمی‌شود و اینگونه شاهد اختلال در تمام کلاس‌ها خواهیم بود و این مسأله در کنار مضمون بعدی حیاتی به نظر می‌رسد. علاوه بر بحث اینترنت و سامانه دانشگاه، وجود کارشناسان، تکنولوژیست‌ها و متخصصان IT جهت راهنمایی استاد و دانشجو نیز از زیرساخت‌های مربوط به دانشگاه در نظر گرفته می‌شود که همسو با پژوهش الغمدی و سامرجی (۲۰۱۶) است.

**زیرساخت‌ها و امکانات استاد و دانشجو** از مضامین دیگری است که از مصاحبه‌های مشارکت کنندگان استخراج شد. بررسی تکالیف در محیط واتس آپ یا تلگرام، حجم زیاد فایل‌های ارسالی، قدیمی بودن گوشی استادان، لپ‌تاپ‌های قدیمی که بر کیفیت صدا در تولید محتوا تأثیرگذار بودند، از چالش‌های مطرح در این راستا است. از طرفی دانشجویان با چالش نداشتن گوشی مناسب برای شرکت در آموزش‌های مجازی، بالابودن هزینه اینترنت و مصرف

داده زیاد مواجه بودند و هستند. اگر چه در ترم جاری، دانشگاه با درنظر گرفتن مبلغ گرنت استادان، امکان تهیه لپ‌تاپ را فراهم نمود و برای دانشجویان نیز اینترنت رایگان جهت ورود به سایت‌های دانشگاهی در نظر گرفته شد اما لازم به ذکر است که با گذشت سه ماه از ترم جاری، هنوز این اقدام از سوی وزارت مربوطه، عملی نشده است. از سوی دیگر، **زیرساخت‌های بنیادی** (اینترنت) مضمون دیگری است که بانوان بدان اشاره داشتند، در واقع می‌توان عنوان نمود اگر زیر ساخت‌های لازم برای دانشگاه، استاد و دانشجو فراهم باشد اما زیرساخت‌های اینترنت فراهم نباشد، عملاً نمی‌توان از آموزش بهره برد. متأسفانه با گذشت یک سال و چند ماه از پاندمی کرونا، همچنان این زیرساخت‌ها متناسب با شرایط نمی‌باشد. این امر با قطعی برق مناطق و بارش باران تشدید می‌شود. در شرایط عادی به دلیل نبود همین زیرساخت، دانشجویان امکان فعال کردن میکروفون و مشارکت در کلاس را ندارد چرا که به دلیل ضعف در اینترنت، با فعال کردن میکروفون از کلاس به بیرون پرت می‌شوند و گاهی امکان مراجعه مجدد به سامانه کلاس را ندارد. همه‌ی این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا بیش از پیش عدالت آموزشی تحت شجاع قرار بگیرد و در اینجا وظیفه‌ی یک استاد دشوارتر می‌شود چون باید بین وظیفه و اخلاق دست به انتخاب بزند و این انتخاب دشواری است. از سوی دیگر، در حال حاضر نه تنها اینترنت برای سایت‌های دانشگاه‌ها رایگان نشده، بلکه تعرفه‌های اینترنت نیز افزایش یافته است که در نهایت همه‌ی این مسائل، اثر منفی بر آموزش‌های مجازی خواهد داشت.

از دیگر مضامین استخراج شده، **همکاری یا در واقع عدم همکاری دانشجویان** در جریان آموزش و تدریس می‌باشد. **جدی نگرفتن آموزش مجازی** از سوی دانشجویان، به عنوان یکی دیگر از مضامین پایه می‌باشد که استخراج گردیده است. بسیاری از دانشجویان به خصوص در ترم گذشته، آموزش‌های مجازی را جدی نگرفته و در تایم کلاس، در فضاهایی نامناسب جهت آموزش و یا در وسایل نقلیه در رفت و آمد بودند. در حال حاضر نیز به دلایل مختلف از جمله؛ تغییر در وضعیت اقتصادی و معیشت مردم و فرصت پیش آمده، بسیاری از دانشجویان مشغول به کار هستند که اکثر این شغل‌ها، به صورت تمام وقت تعریف شده است که در نهایت با خود بی توجهی به کلاس را به همراه دارد.

**بی توجهی به کلاس و درس** مضمون پایه دیگری است که بانوان بدان اشاره داشتند. علی رغم حضور بسیاری از دانشجویان در کلاس، توجهی به کلاس و درس ندارند، در واقع آنلاین هستند و در صورت درخواست بازخورد،

واکنشی از سوی آنها دریافت نمی‌شود. این در حالی است که کلاس‌های درس، محل مناسبی برای انتقال تجربیات استادان به دانشجویان و درک بهتر مطالب درسی دانشگاه‌ها می‌باشد. علاوه بر این باعث می‌شود، دانشجو درک بهتری از نگرش‌های استاد و حل مسائل داشته باشد (وکیلی، تیموری و قربانی، ۱۳۹۲) که همسو با پژوهش کیان (۱۳۹۳) می‌باشد که عنوان نمود در محیط مجازی، به دلیل عدم ارتباط رو در رو و الگوگیری دانشجو از استاد و سایرین، زمینه تربیت چندان فراهم نیست. اگر چه ممکن است یکی از دلایل بی توجهی به کلاس، به روش تدریس استاد باز گردد اما به طور کلی به دلیل عدم وجود تعاملات چهره به چهره، این مسأله تشدید می‌شود. دانشجویان در حالت‌های مختلف اقدام به حضور در کلاس درس می‌کنند، در کلاس‌های صبح همچنان در حالت خواب آلودگی و در حالت استراحت، وارد کلاس می‌شوند و در کلاس‌هایی که ساعت برگزاری آن، بعد از ظهر می‌باشد، نیز مشغول صرف نهار یا استراحت هستند. در اینجا است که تفاوت بین دانشجوی علاقه‌مند به یادگیری و غیر آن مشخص می‌شود. در واقع می‌توان عنوان نمود دانشجویی که به فلسفه و اهمیت یادگیری و کلاس درس پی برده، در هر شرایطی تلاش می‌کند تا جویای دانش باشد.

**انتظارات نامعقول دانشجویان**، به عنوان مضمون دیگری است که مشارکت کنندگان بدان اشاره داشته‌اند. تماس‌های گاه و بیگاه در ساعات شبانه روز، پاسخگویی سریع و دقیق در محیط‌هایی مانند واتس آپ و تلگرام، تهدید با تکیه به مصوبات دانشگاه و از این قبیل موارد از چالش‌های دیگر آموزش مجازی است. علی‌رغم تلاش جهت هماهنگی کلاس‌ها و پاسخگویی، بسیاری از دانشجویان با انتظارات نا به جا، شرایط را برای استادان سخت تر می‌کنند. از طرفی به دلایلی، ساختار دانشگاه خواهان همکاری استادان با دانشجویان در زمینه‌های مذکور بود که بر این انتظارات، از نظر دانشجویان معقول در نظر گرفته می‌شد، البته لازم به ذکر است که این انتظارات نامعقول بیشتر در دانشجویان ورودی دیده شده و در ترم جاری، این انتظارات کمتر شده است. یکی از دلایل این انتظارات نامعقول، سبک‌های فرزندپروری والدین است که اکثراً سهل‌گیر بوده و با ورود به محیط دانشگاه و شرایط کرونایی، انتظارات خاصی از محیط دانشگاه و عناصر موجود در آن دارند و قادر به تفکیک محیط آموزشی و خانوادگی نیستند.

روی هم رفته پژوهش‌های مختلفی به بررسی چالش‌های آموزش مجازی پرداخته‌اند اما پژوهش‌های مذکور در شرایطی عادی و به دور از هرگونه تصمیم‌گیری و انطباق سریع بوده است. با این حال برخی چالش‌های ذکر شده در پژوهش‌ها، چالش‌هایی است که در حال حاضر و با گذشت نزدیک به یک سال، همچنان وجود دارد، به عنوان نمونه

موانع اجرایی آموزش مجازی که همچنان وجود دارد و از این منظر همسو با پژوهش احمدی (۱۳۹۷) است که نشان داد، مهمترین چالش می‌باشد. از منظر صنوبری مهر (۱۳۹۱) نیز یکی از موانع و چالش‌های فنی - تکنولوژیکی در آموزش مجازی، فراهم نمودن بستر اینترنتی بهتر بوده که از این منظر همسو با پژوهش حاضر است که بانوان اشاره داشتند، یکی از چالش‌های جدی در بحث آموزش مجازی، زیرساخت‌های بنیادی (اینترنت) است. چرا که دارا بودن امکانات مناسب از سوی استاد و دانشجو، به معنای موفقیت در آموزش مجازی نیست. فراتر از این مسائل، زیرساخت‌های مربوط به اینترنت است که در ترم‌های گذشته این مسأله بسیار احساس می‌شود. همچنین علی‌رغم گذشت یک ترم و کسب تجربه، در ترم حاضر نیز مشکلات مربوط به زیرساخت‌های اینترنت بیش از پیش وجود دارد که از این منظر همسو با پژوهش رضایی (۱۳۹۹) می‌باشد و این مسأله ابعاد مختلف در آموزش را تحت شعاع قرار می‌دهد، از عدم حضور در کلاس، قطع و وصلی مداوم تا عدم فعال شدن میکروفون توسط دانشجو در کلاس درس جهت فعالیت‌های کلاسی است.

بر مبنای نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود وزارت علوم، وام‌هایی را برای دانشجویان تعبیه کند تا بتوانند از آن طریق، مشکلات مالی خرید اینترنت را برطرف، همچنین وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، سایت‌های دانشگاهی را رایگان نماید. دانشگاه‌ها، دوره‌های آموزشی در قالب نشست یا کارگاه در زمینه‌ی نحوه تعامل با استاد و دیگر دانشجویان، آداب دانشجویی و از این قبیل موارد که به‌واسطه‌ی عدم حضور فیزیکی در محیط دانشگاه تحت تأثیر قرار گرفته است، برگزار نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود دانشگاه، کارگاه با هدف آموزش انواع مختلف روش تدریس فعال برگزار نماید تا از این طریق آندسته از دانشجویان که به این دلیل به کلاس درس بی توجه بودند، جذب کلاس درس شوند. در راستای انتظارات نامعقول دانشجویان، وزارت علوم می‌تواند آیین‌نامه و شرایطی که در زمان قبل از کرونا بوده را مبنا قرار دهد تا دانشگاه‌ها نیز، غیر از امور آموزشی در سایر ابعاد یاری رسان دانشجویان در این شرایط باشند نه آنکه با سهل‌گیری، فلسفه آموزش زیر سؤال برود.

## منابع و مآخذ

Abbasi Parsa P. (2012). Feasibility study of implementing virtual education in the Faculty of Psychology and Educational Sciences of Allameh Tabatabai University and providing appropriate solutions. Tehran: Allameh Tabatabai University. [Persian].

Abdullah, F., & Ward, R. (2016). Developing a General Extended Technology Acceptance Model for E-Learning (GETAMEL) by analyzing commonly used external factors. *Computers in Human Behavior*. 56: 238-256.

Abedini Baltork M. (2015). Explain the characteristics of a constructive curriculum in higher education and determine the extent to which it is achieved in postgraduate courses at Shiraz University and Shiraz University of Medical Sciences. Isfahan: University of Isfahan. [Persian].

Adedoyin, O. B., & Soykan, E. (2020). Covid-19 pandemic and online learning: the challenges and opportunities. *Interactive Learning Environments*, 1-13.

Ahmadi J. (2018). Investigating and prioritizing the administrative barriers to providing virtual education in Payame Noor University from the perspective of faculty members (master's thesis). Tehran: Shahed University. [Persian].

Al-Gamdi, A. M., & Samarji, A. (2016). Perceived barriers towards e-learning by faculty members at a recently established university in Saudi Arabia, *International Journal of Information and Education Technology*. 6(1): 23-28.

Amir, L. R., Tanti, I., Maharani, D. A., Wimardhani, Y. S., Julia, V., Sulijaya, B., & Puspitawati, R. (2020). Student perspective of classroom and distance learning during COVID-19 pandemic in the undergraduate dental study program Universitas Indonesia. *BMC medical education*, 20(1), 1-8.

Armstrong-Mensah, E., Ramsey-White, K., Yankey, B., & Self-Brown, S. (2020). COVID-19 and Distance Learning: Effects on Georgia State University School of Public Health Students. *Frontiers in Public Health*. 8, 547.

Bagherimajd R, shahei S, mehralizadeh Y. (2013). Assessing Challenges in the development of Electronic learning in Higher Education (Case study of Shahid Chamran University in Ahwaz). *J Med Educ Dev*. 6 (12):1-13[Persian].

Bazargan & Bazargan K. (2020). Corona Free Advice to Higher Education for Digital Technology: The Need for Planning for Digital Transformation in Post-Corona Universities. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. [Persian].

Bora, U. J., & Ahmed, M. (2013). E-learning using cloud computing. *International Journal of Science and Modern Engineering*. 1(2): 9-12

Dağhan, G., & Akkoyunlu, B. (2016). Modeling the continuance usage intention of online learning environments. *Computers in Human Behavior*. 60: 198-211.

Dhawan, S. (2020). Online learning: A panacea in the time of COVID-19 crisis. *Journal of Educational Technology Systems*, 49(1), 5-22.

El Mhouti, A., Erradi, M., & Nasseh, A. (2018). Using cloud computing services in e-learning process: Benefits and challenges. *Education and Information Technologies*. 23(2): 893-909.

El Mhouti, A., Erradi, M., & Nasseh, A. (2018). Using cloud computing services in e-learning process: Benefits and challenges. *Education and Information Technologies*. 23(2): 893-909.

Feraskhah, M. (2020). What new virtues does higher education and university produce in a crunching world? Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. [Persian].

Ghorbankhani M & Salehi K. (2016). Representing the Challenges of Virtual Education in the Iranian Higher Education System: A Phenomenological Study. *Information and communication technology in educational sciences*. 7 (2): 123-148. [Persian].

Hassanzadeh, A., Kanaani, F., & Elahi, S. A (2012). Model for measuring e-learning systems success in universities. *Expert Systems with Applications*. 39(12): 10959-10966.

Jahanian R & Etebar SH. (2012). Evaluating the status of virtual education in e-learning centers of Tehran universities from the perspective of students. *Information and communication technology in educational sciences*. 2(4): 53-65. [Persian].

Kazempour, I and Ghaffari, Kh. (2011). Feasibility study of establishing a system during virtual service in Islamic Azad University. A new approach in educational management. 1 (5): 167-193. [Persian].

Kearns, S. (2016). *E-learning in aviation*. London, Routledge.

Keshavarz KH. (2020). Professional experience of female professors-researchers from the Corona era. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies [Persian].

Khalili I. (2020). Writing and speaking, understanding history at the time of occurrence: education, higher education and current emergencies in Iran. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies [Persian].

Khorsandi Taskoh A. (2020). Advanced Virtual Higher Education in the Post-Crown Age of Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. [Persian].

Kian M. (2014). Challenges of Virtual Learning: Narrating what is not taught in a virtual university. *University Journal of E-Learning*. 5(3): 11-22. [Persian].

Kisanga, D., & Ireson, G. (2015). Barriers and strategies on adoption of e-learning in Tanzanian higher learning institutions: Lessons for adopters. *International Journal of Education and Development using ICT*. 11(2):126-137.

Mirzaei H. (2020). Us and Corona: A Reflection on the Relationship between Higher Education, Science, and the Corona Crisis. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies [Persian].

Mohammadi M, Keshavarzi F, Naseri Jahromi R, Naseri Jahromi R, Hesampour Z, Mirghafari F & Ebrahimi SH. (2020). Analysis of Parents' Experiences of Elementary

School Students from the Challenges of Virtual Learning with Social Networks during the Coronavirus Outbreak. Educational research. 14: 74-101. [Persian].

Rezaei A.M. (2020). Assessing what students have learned during the Corona: Challenges and solutions .Quarterly of Educational Psychology. 16(56):179-214 [Persian].

Sedghi Bokani N, Mohajeran B & Bagheri Majd R.A. (2015). Challenges of virtual education in the educational system of Islamic Azad University. Educational Research Journal. 10 (42): 35-50. [Persian].

Senobari Mehr S. (2012). Feasibility study of establishing a virtual education system in the Faculty of Management and Accounting of Allameh Tabatabai University (Master Thesis). Tehran: Allameh Tabatabai University. [Persian].

Tari F, Shams GH.R & Rezaeizadeh M. (2017). Identifying and modeling the most important challenges of using e-learning with interpretive structural modeling (ISM) approach in Iran Gas General Company. Training and development of human resources. 4(14): 1-27 [Persian].

Tarus, J.K., Gichoya, D., & Muumbo, A. (2015). Challenges of Implementing E-Learning in Kenya: A Case of Kenyan Public Universities. International Review of Research in Open and Distributed Learning. 16(1):120-141.

Unesco. (2020). Covid-19 Educational Disruption and Response. Available at: <https://en.unesco.org/covid19/educationresponse>.

Vakili A, Teimouri M, Ghorbani R. (2013). Reasons of absence from clinical foundation classes from the viewpoints of medical students of Semnan University of Medical Sciences. Journal of Medical Education and Development. 8(1): 65-73 [Persian].

Valitabar S. (2016). Needs Assessment of Virtual Education in Payame Noor University, Ardabil Center (Master Thesis). Ardabil: Mohaghegh Ardabil University. [Persian].

Yamani dizi Sorkhabi M. (2020). Outbreak of coronavirus is an opportunity for reflection on the issues of higher education in the country. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. [Persian].

Zaker Salehi, Gh.R. (2020). The coronation of higher education and future scenarios. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. [Persian].

## Virtual Teaching and Its Challenges in Corona Era from the Perspective of Mazandaran University Female Faculty Members: A Phenomenological Study

Meimanat Abedini Baltork<sup>1</sup>

### Abstract

The purpose of this study was to study the challenges of virtual education in the Corona era from the perspective of lived experience of female faculty members of Mazandaran University. The design of the present study was qualitative and the method used, was phenomenological. The statistical population included women faculty members of University of Mazandaran in the academic year 2020-2021, which was a total of 71 members. Qualitative data were collected using semi-structured interviews of 20 members. The validity and reliability of the study were verified on the basis of validity, transferability, reliability, and verifiability the method of data analysis in this study was thematic analysis (comprehensive, organizing, and inclusive). The results showed that women faced various challenges in e-learning which were classified into 1 comprehensive theme, 3 organizing themes and 9 inclusive themes. Changes in teaching style, infrastructure and facilities and students' lack of cooperation are the themes of the organizer. Each organizing theme also consists of several inclusive themes that include changes in teaching style and teaching and being time consuming; Challenges of university infrastructures, faculty facilities, student facilities and basic infrastructures; Failure of taking e-learning seriously, neglect of the classroom, and unreasonable expectations of students are among the basic themes that participants cited as a challenge to e-learning during the Corona era. Finally, virtual education and e-classroom which had not been considered in Iranian universities, since the arrival of this virus became the center of attention, which faced many challenges due to this issue. Identifying challenges is the first step is to resolve it so that affiliated organizations can take steps in this direction.

**Keywords:** Corona, lived experience, women, faculty member

1 .Assistant Professor, Department of Education, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. Abedini.gilan@gmail.com